

داستان‌های اقلیمی رهیافتی برای شناخت معماری خانه‌های منطقه بر پایه نظریه منطقه‌گرایی انتقادی (مطالعه موردی: شهر تهران)

چکیده

امروزه یکی از دغدغه‌های معماری در شهر تهران شکل‌گیری خانه‌هایی فاقد هویت منطقه‌ای، یکسان‌سازی محیط کالبدی و از بین رفتن هویت معماری و سیمای ظاهری خانه‌ها است. این در حالی‌ست که مفهوم سکونت و خانه در ایران با فرهنگ و اقلیم هر منطقه گره خورده است و این امر در داستان‌ها و به طور خاص ادبیات اقلیمی و شناخت نگاه نویسندگان که برگرفته از لایه‌های زندگی افراد است قابل مطالعه و بررسی می‌باشد. مسئله‌ای که اینجا قابل طرح است بازشناسی نقش داستان‌های اقلیمی در آگاهی از عناصر و ویژگی‌های معماری در گذشته است. روش تحقیق این پژوهش تفسیرگرایی با روش مطالعات تطبیقی و رویکرد پژوهش از نوع کیفی است. نوع پژوهش به لحاظ هدف بنیادی، و با توجه به اینکه خروجی آن قرار است از نوع روش باشد پس به لحاظ نوع نتایج تبیینی و به لحاظ شیوه تحلیل نقد ادبی است. شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است و از آنجایی که بنیاد این پژوهش بهره‌گیری از ادبیات اقلیمی است، لذا از نقد ادبی و تحلیل محتوا استفاده گردید. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که از طریق اصول منطقه‌گرایی انتقادی می‌توان با ویژگی‌های داستان‌های اقلیمی آشنا شد. کاربست روش نقد معنایی با رویکردهای روایت‌شناسی، لغوی (صورت‌گرایانه)، فنی، نشانه‌شناسی ساختاری، اجتماعی و زیبایی‌شناسی در شناخت معماری خانه‌های قدیمی از طریق داستان‌های اقلیمی مؤثر است.

اهداف پژوهش

۱. بررسی ویژگی‌های معماری خانه‌های قدیم تهران براساس داستان‌های اقلیمی.
۲. تبیین کاربرد نظریه منطقه‌گرایی انتقادی در بازشناسی معماری خانه‌های قدیم تهران.

سؤالات پژوهش

۱. چگونه می‌توان از داستان‌های اقلیمی در بازشناسی ویژگی‌های معماری خانه‌های قدیمی تهران استفاده کرد؟
۲. نظریه منطقه‌گرایی انتقادی چه کاربردی در شناخت معماری خانه‌های قدیمی تهران دارد؟

واژگان کلیدی: داستان اقلیمی، معماری منطقه‌ای، خانه‌های قدیم تهران، منطقه‌گرایی انتقادی.

مقدمه

امروزه بحران هویت مکان که موجب پایین بودن سطح کیفی زندگی شهروندان شده، از مسائل مهم شهرها به حساب می‌آید. عدم توجه به هویت مکانی معماری منطقه و در پی آن شکل‌گیری بناهای فاقد هویت منجر به قطع ارتباط انسان با مکان شده است. از بین رفتن هویت معماری سیمای ظاهری «خانه‌ها» در شهرها و به دنبال آن از بین رفتن هویت مکانی شهرها در ایران شده است. همسان شدن بی‌قواره شهرها و مناطق مختلف که از تبعات معماری مدرن و خردگرایی محض است، با وجود این که هر منطقه داستان و معماری مخصوص به خود را داراست سبب گردیده شهروندان به شهر تنها به عنوان رفع نیاز خود و به عنوان یک کاربر نگاه کنند. درحالی که خلق محیط غنی و احیاء ویژگی‌های منطقه‌ای و بومی می‌تواند سبب بهبود این ارتباط گردد. اهمیت دادن به ارزش‌های منطقه‌ای، فرهنگی و اجتماعی و جستجوی هویت در مناطق مختلف ایران، جهت حفظ و بقای هویت فرهنگی و معماری بومی هر منطقه ضروری است. خلق فضاهای معماری با توجه به اصول «منطقه‌گرایی» و «معماری منطقه‌گرا» به موازات استفاده از امکانات عصر مدرن و معماری عصر مدرن منجر به حفظ هویت و ارزش‌های معماری مناطق مختلف ایران در عین سود بردن از مزایای جهانی معماری نوین است. «منطقه‌گرایی انتقادی» است، می‌تواند منجر به خلق معماری با هویت منطقه‌ای در کنار ظاهری مدرن شود لذا با بی‌هویت شدن خانه‌های شهر تهران و ضعیف شدن حس تعلق خاطر در این فضاها و همچنین قطع شدن اتصال مردم با فرهنگ و معماری گذشته، باعث گردید تا به انجام این تحقیق از طریق خوانش «داستان‌های اقلیمی حوزه تهران» که یکی از بهترین منابع جهت استخراج معیارهای فرهنگی و طبیعی هر منطقه است، پرداخته شود. داستان‌های اقلیمی غالباً بازتاب‌دهنده ویژگی‌ها و عناصر مشترک کالبدی و غیرکالبدی همچون معماری و عناصر مرتبط با آن، فرهنگ، سنت، آداب و رسوم و... یک منطقه جغرافیایی هستند. نویسندگان این‌گونه از ادبیات که اغلب واقع‌گرا هستند، مهارت زیادی در اشاره به جزئیات دارند. در نتیجه داستان‌های نقل شده از نویسندگان بومی و رئالیست هر منطقه می‌تواند یکی از بهترین منابعی باشد که از طریق آن‌ها می‌توان محورهای مرتبط با معماری یک منطقه را مورد خوانش قرار داد. لذا در این پژوهش با کمک متون ادبیات داستانی اقلیمی حوزه تهران که ناقل فرهنگ، فضا سازی و معماری گذشته این شهر هستند، به واکاوی معماری و فضا سازی خانه‌های قدیم تهران پرداخته شده است. از طرفی معماری منطقه‌گرا سبکی از معماری است که به ما در بهبود این اوضاع کمک خواهد کرد، همچنین رویکردی منعطف و سیال است با دیدگاهی تحلیلی و انتقادی که تأکید بر حفظ ویژگی‌ها و خصوصیات خاص مکان دارد.

در خصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون پژوهش مستقلی با این عنوان انجام نشده است، اما آثار ادبی متعددی در تاریخ ادبیات ایران و جهان وجود دارد که حاوی اطلاعات مهمی درباره معماری همان دوره است. از آن میان می‌توان به آثاری چون کتاب هفت جلدی «در جستجوی زمان از دست‌رفته» مارسل پروست (۱۹۲۷-۱۹۱۳) و

«گوژپشت نوتردام» می‌توان اشاره کرد. همچنین در منابع داخلی، دیباج (۱۳۸۲) در کتاب «شعر و خانه‌ی ما» معماری را در ادبیات معاصر بررسی کرده است. کتاب «قصه شهر (تهران، نماد شهر نو پرداز ایرانی ۱۲۹۹-۱۳۳۲)» نوشته‌ی محسن حبیبی (۱۳۸۹)، روایتی است براساس شناخت اجزای قصه شهر تهران که بر مبنای رمان‌های نویسندگانی چون بزرگ علوی، صادق هدایت، محمد مسعود، مشفق کاظمی و ... که بین سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۳۲ شکل می‌گیرد و نویسنده با تعریف اجزای قصه مانند پیرنگ، درون‌مایه، شخصیت، زاویه دید، صحنه‌پردازی، فضا سازی و غیره به دنبال تحلیل آن‌ها در متن شهر است، زیرا مکان‌ها و فضاهای شهری در ادبیات داستانی مدرن پدیدار می‌شوند و در قصه‌های مکتوب جای می‌گیرند (حبیبی: ۱۳۸۹). کتاب «شهر و تجربه‌ی مدرنیته‌ی فارسی» نوشته‌ی نرگس خالصی مقدم، چگونگی بازنمایی تهران در رمان فارسی را در بر گرفته است (خالصی مقدم: ۱۳۹۲). مقاله «بازنمود مفاهیم و ساختار ادبی قرآن در معماری اسلامی» نوشته‌ی مهدی سعدوندی و همکاران، بر آن است تا با بهره‌گیری از روش تطبیقی نامتوازن، چگونگی تأثیر قرآن بر معماری اسلامی را از طریق عناصر ادبی آن نشان دهد (سعدوندی و همکاران: ۱۳۹۲). در مقاله «رویکردی باستان‌شناسانه به بازشناسی مفاهیم کاربردی و معنوی عناصر معماری دوران اسلامی ایران بر پایه دیوان اشعار حافظ شیرازی» نوشته‌ی موسوی حاجی و همکاران تلاش شده است تا برای نخستین بار با بهره‌گیری از مبانی نظری مکاتب نوین باستان‌شناسی و سایر علوم وابسته، مفاهیم کاربردی و معنوی عناصر معماری دوران اسلامی ایران در اشعار حافظ مورد بررسی قرار گیرد (موسوی حاجی: ۱۳۹۱). در مقاله «بازیابی عنصر مکان در بوف کور صادق هدایت بر پایه جغرافیای تاریخی ری و تهران» نوشته‌ی کاووس حسن‌لی، در بخش‌هایی از رمان بوف کور اثر هدایت، آشکارا به برخی مکان‌ها اشاره شده، در این مقاله با تکیه بر نشانه‌های درون‌متنی اثر و انطباق آن‌ها با جزئیات جغرافیایی تاریخی ری و تهران نقشه مسیر راوی در مکانی واقعی و عینی بازشناسی می‌شود (حسن‌لی: ۱۳۹۶). بررسی پژوهش‌های انجام شده در دسترس حاکی از آن است که تاکنون تحقیق و پژوهشی همچون عنوان مطرح شده این پژوهش با تأکید بر بحث «داستان اقلیمی و معماری بومی- منطقه‌ای» انجام نپذیرفته است و این امر وجه تمایز میان این پژوهش با پژوهش‌های مشابه آن است.

پژوهش حاضر با تحلیلی میان رشته‌ای در حوزه پژوهش‌های مطالعات تطبیقی (تطبیق معماری بومی- منطقه‌ای با ادبیات اقلیمی) است. روش تحقیق این پژوهش تفسیرگرایی با روش مطالعات تطبیقی و رویکرد پژوهش از نوع کیفی است. نوع پژوهش به لحاظ هدف بنیادی، و با توجه به اینکه خروجی آن قرار است از نوع روش باشد پس به لحاظ نوع نتایج تبیینی و به لحاظ شیوه تحلیل نقد ادبی است. شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و از آنجایی که بنیاد این پژوهش بهره‌گیری از ادبیات اقلیمی است، لذا باید نقد ادبی و تحلیل محتوا صورت گیرد. در این پژوهش هشت رمان از هشت نویسنده مطرح حوزه تهران در زمینه ادبیات داستانی با نام‌های «دل کور» اثر اسماعیل فصیح، «شکر تلخ» اثر جعفر شهری، «چشم‌هایش» اثر بزرگ علوی، «قلتش دیوان» اثر محمدعلی جمالزاده، «تفریحات شب» اثر محمد مسعود، «یادگار یک شب» اثر مرتضی مشفق کاظمی، «زیبا» اثر محمد حجازی و «بوف کور» اثر صادق هدایت، که تمامی این داستان‌ها مختص تهران قدیم در عصر معاصر است مورد خوانش و بررسی قرار گرفته است. با استفاده از

تکنیک تحلیل محتوا در ادبیات داستانی بارهیافت تفسیری و همچنین با استفاده از روش نقد معنایی با رویکردهای روایت‌شناسی، نشانه‌شناسی ساختاری، نقد اجتماعی، نقد لغوی (صورت‌گرایانه)، نقد زیبایی‌شناسی و نقد فنی، استخراج عناصر و ویژگی‌های معماری خانه‌های تهران قدیم در عصر معاصر بر مبنای نگاه منطقه‌گرایانه صورت گرفته است.

نتیجه‌گیری

جهت استخراج معماری منطقه‌ای و عناصر مرتبط با آن، رهیافت‌های تحقیق متنوعی وجود دارد. رهیافت پیشنهادی این پژوهش روش‌های نقد ادبی داستان‌های اقلیمی است. در این رهیافت از روش‌های گوناگون روایت‌شناسی، نشانه‌شناختی ساختارگرا و پسا ساختارگرا و نقد اجتماعی بهره گرفته شد. در این پژوهش از آن جهت که محتوا و درون مایه آثار ادبی (داستان‌های اقلیمی) مورد بررسی قرار گرفته، لذا از شیوه نقد محتوایی (معنایی) استفاده شده و از میان انواع رویکردهای آن، با توجه به هدف پژوهش که استخراج اصول منطقه‌گرایی انتقادی فرامپتون از طریق داستان‌های اقلیمی است، رویکردهای زیر استفاده گردید. در فرآیند نقد داستان در روش پیشنهادی، نخستین گام نقد ساختارگرایانه آن است که شامل روایت‌شناسی است. در گام دوم، متن داستان با نگاهی شکلی به روش نقد لغوی (صورت‌گرایانه) و فنی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس در گام پایانی از طریق نتایج دو گام پیشین و با نقد عمیق‌تری نگاه محتوایی به داستان شده و با روش‌های نقد نشانه‌شناسی پسا ساختارگرا (نشانه‌شناسی اجتماعی، فرهنگی و گفتمانی) و نقد زیبایی‌شناختی لایه‌های پنهان‌تر متن واکاوی شده است. در اصل با هر کدام از روش‌های نقد ادبی بخشی از ویژگی‌های منطقه‌ای معماری و شهری را می‌توان استخراج نمود که عبارتند از: ۱. روایت‌شناسی: به طور کلی هر داستانی یک روایت دارد و هر معماری نیز دارای روایتی مخصوص به خود است. لذا قبل از هر چیز باید قواعد حاکم بر داستان (نوع، ویژگی‌ها و عناصر اصلی آن) مورد بررسی و تحلیل جهت شناخت ساختار کلی داستان قرار گیرد. ۲. نقد لغوی (صورت‌گرایانه): به وسیله این روش واژه‌های مرتبط با معماری و فضاهای مربوط با آن که با شکل، کالبد و گونه‌های معماری منطقه در داستان‌های اقلیمی و فرم‌های بومی‌گرایانه در اصول منطقه‌گرایی انتقادی مرتبط است استخراج شده است. کلید واژگانی که مستقیماً به معماری اشاره دارند و خود به دو بخش واژگان عمومی و واژگانی تخصصی که مختص زمان و یا مکان به خصوص بوده است. ۳. نشانه‌شناسی: جهت استخراج لایه‌های پنهان‌تر متن داستان مورد استفاده قرار گرفته است، با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی ساختاری مفهیمی مانند تقابل میان سنت و مدرنیته در بخش تقابل‌های دوگانه مورد تحلیل قرار گرفته و از طریق رویکردهای نشانه‌شناسی پسا ساختارگرا به ویژه نشانه‌شناسی فرهنگی و اجتماعی در ارتباط با باورهای موجود در منطقه، مسائلی اجتماعی همچون «افسانه‌ها و واقعیت‌های منطقه» که از اصول منطقه‌گرایی انتقادی است استخراج شده است. این مفاهیم در داستان‌های اقلیمی تحت عنوان آداب و رسوم از آن یاد شده است و شامل «نشانه‌های هویت» و «نشانه‌های آداب و معاشرت» هستند. همچنین ویژگی‌های مرتبط با فضا و مکان، مانند: «حس مکان» و «حس تعلق به مکان»، که با بررسی‌های نشانه‌شناختی نشانه‌های مکانی مورد خوانش قرار گرفته است. ۴. زیبایی‌شناسی و فنی: استخراج مطالب مرتبط با

زیبایی‌شناسی زبانی که در توصیف فضا و مکان‌ها و مناطق بومی و همچنین توصیف طبیعت و توپوگرافی آمده، که در ارتباط مستقیم با احساسات و ذوق هنری نویسنده قرار داشته و به وسیله آن استعاره‌های موجود در متن داستان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

منابع

- اخوت، احمد (۱۳۷۱)، دستور زبان داستان، تهران: نشر فردا.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۷۹)، قلشن دیوان، تهران: انتشارات سخن.
- حبیبی، محسن (۱۳۸۹)، قصه شهر(تهران، نماد شهر نو پرداز ایرانی ۱۲۹۹-۱۳۳۲)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حجازی، محمد (۱۳۴۵)، زیبا، تهران: شرکت سهامی افست.
- خالصی مقدم، نرگس (۱۳۹۲)، شهر و تجربه مدرنیته فارسی، تهران: انتشارات تیسرا.
- دیباچ، سید موسی (۱۳۸۲)، شعر و خانه‌ی ما: تحقیقی در معماری و ادب فارسی، تهران: نشر پیوند نو.
- شایان، حمیدرضا(۱۳۸۷)، معماری در زمینه بیگانه تحلیل نظریه منطقه‌گرایی تعاملی در تجارب دهه‌های ۶۰ تا ۹۰ میلادی معماران غیر بومی کشورهای حوزه خلیج فارس(پایان نامه منتشر نشده دکتری معماری)، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، ایران.
- شهری، جعفر(۱۳۴۷)، شکر تلخ، تهران: چاپ روز.
- علوی، بزرگ (۱۳۶۳)، چشمه‌هایش، تهران: انقلاب و ادبیات.
- فصیح، اسماعیل(۱۳۷۲)، دل کور، چاپ پنجم، تهران: نشر نو.
- مسعود، محمد (۱۳۸۵)، تفریحات شب، تهران: نشر تلاونگ. چاپ اول.
- مشفق کاظمی، مرتضی (۱۳۰۵)، یادگار یک شب(جلد دوم تهران مخوف)، تهران: کتابخانه طهران.
- میرصادقی، جمال و میرصادقی(ذوالقدر) میمنت (۱۳۷۷)، واژه نامه هنر داستان‌نویسی، تهران: کتاب مهناز.
- هدایت، صادق(۱۳۸۳)، بوف کور، اصفهان: انتشارات صادق هدایت.
- حسن لی، کاووس و نادری، سیامک (۱۳۹۶)، "بازیابی عنصر مکان در بوف کور صادق هدایت بر پایه‌ی جغرافیای تاریخی ری و تهران"، نقد ادبی، (۳۷)، صص ۱۸۵-۱۶۳.
- سعدوندی، مهدی و همکاران(۱۳۹۲)، "بازنمود مفاهیم و ساختار ادبی قرآن در معماری اسلامی"، مطالعات تطبیقی هنر، ۳(۶)، صص ۸۷-۹۸.

شایان، حمیدرضا و کاملنیا، حامد(۱۳۸۷)، "منطقه‌گرایی و چالش‌های معماری معاصر در آغاز هزاره سوم"، معماری و شهرسازی، (۹۰ و ۹۱)، صص ۱۵-۱۰.

شیری، قهرمان(۱۳۸۲)، "پیش درآمدی بر مکتب‌های داستان‌نویسی در ادبیات معاصر ایران"، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۸۹، صص ۱۹۰-۱۴۷.

صادقی شهپر، رضا (۱۳۸۹)، "نخستین رمان اقلیمی در داستان نویسی معاصر ایران"، کتاب ماه ادبیات، صص ۳۳۹-۳۵.

_____، _____ (۱۳۹۱)، "حوزه‌های پنجگانه اقلیمی نویسی در ادبیات داستانی معاصر ایران"، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، صص ۱۲۴-۹۹.

موسی حاجی، سید رسول و همکاران(۱۳۹۱)، "رویکردی باستان‌شناسانه به بازشناسی مفاهیم کاربردی و معنوی عناصر معماری دوران اسلامی ایران بر پایه دیوان اشعار حافظ شیرازی"، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۲ (۳)، صص ۶۰-۴۵.

Abrams, M.H. (1993) A Glossary of literary terms, (6nd ed), New York: Cornell university.

Canizaro, V. (2007) Architectural Regionalism: collected writings on place, identity, modernity and tradition, (1st ed), New York: Princeton Architectural Press.

Colquhoun, A. (1997) The Concept of Regionalism, postcolonial Space(s), New York: Princeton Architectural Press.

Culler, J. (2002) Structuralist poetics, London: Routledge Classics.

Eggner, K. (2006) Placing Resistance: A Critical Regionalism, Journal of Architectural Education, 55(4), 228- 237.

Frampton, K. (1983) Towards a critical regionalism: six points for an architecture of resistance, in the anti-aesthetic: essays on postmodern culture, Washington: Bay press.

Frampton, K. (1987) Ten Points on an Architecture of Regionalism: a Provisional Polemic, New York: Princeton Architectural Press.

Gutschow, K. (2006) Concrete Resistance: Ando in the context of critical regionalism ("Pittsburgh History and Landmarks (PHLF) Book Prize for Architectural History," awarded annually to the best paper written in an architectural history class).

Ozkan, S. (2007) Regionalism within Modernism, Architectural Regionalism, New York: Princeton Architectural Press, 102- 109.

Serageldin, I. (1989) Space for freedom: The search for architectural excellence in muslim societies, London: Butterworth Architecture.

Tzonis, A. & Lefavre, L. (1996) Why Critical Regionalism Today? Theorizing a New Agenda for Architecture, an Anthology of Architectural Theory 1965- 1995 (Kate Nesbit, ed), New York: Princeton Architectural Press.

Tzonis, A. & Lefaivre, L. (2003) *Critical Regionalism: Architecture and Identity in a Globalized world (Architecture in Focus)*, New York: Prestel Pub.